

فرمان

سه شنبه
۱۸ شهریور ۱۴۰۴
۱۶ ربیع الاول ۱۴۴۷
۹ سپتامبر ۲۰۲۵

شماره
۴۵۰۲
صفحه
۱۶
تومان
۱۰۰۰۰

راهبرد ضد تعلیق ایران

با اجماع سازی چطور می توان
از تعلیق اجتماعی-سیاسی عبور کرد؟
۲

فرمان اقتصادی سال دوم

مطالبات رهبر انقلاب از دولت با مرکزیت ایجاد تحول در حکمرانی
برای عبور از شرایط تعلیق نه جنگ نه صلح صورت بندی شد
۱۶

مسئله پایان تاریخ

از وزارت دفاع تا وزارت جنگ



سید جواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

سال ۱۹۸۹ فوکویاما در مقاله پایان تاریخ ادعا کرد پس از پیروزی آمریکا در جنگ سرد و ایضاً عبور از جهان دوقطبی، نقطه پایانی برای همه ایدئولوژی های رقیب شکل گرفته است و حالا ایده توسعه و ترقی فقط با تحقق لیبرال دموکراسی آمریکایی ممکن است و دیگر هر نوع اتوپایی بیرون از ساحت لیبرالیسم ممکن نیست. ایده پیشرفت فقط در سمت آمریکا و جهان مدنظر آن شکل خواهد گرفت و تنها لیبرال دموکراسی خواهد توانست آینده جهان را بسازد و هر ایده ای در نقطه شروع محکوم به شکست است. در واقع این طرح بحث باعث شد آمریکایی ها تصور کنند هر آنچه در آینده به نام رقیب هم شکل بگیرد، به این جهت که آلترناتیوی برای آن ها نیست، باز هم مجبور خواهد بود افق لیبرال دموکراسی را دنبال کند. در حقیقت به نوعی لیبرال دموکراسی و ایده پایان تاریخ، یک مقاله از یک فرد نبود بلکه نوعی فهم وضعیت هم بود؛ به نوعی که آمریکایی ها به صراحت بیان می کردند دیگر عصر آرمان خواهی و اتوپیاگرایی امکان ندارد؛ چون جهان فعلی غایت فلسفه تاریخ و انتهای پیشرفت است و هر ایده ای در مقابل آن شکست خواهد خورد. و هنگامی که کمونیسم با آن قدمت طولانی و آن طرح های جذاب توان رقابت را نداشت، دیگر ایده هایی که هیچ کارکردی نداشتند که جای خود دارند. به همین خاطر آمریکایی ها طرح توسعه قدرت را در سه سطح صورت بندی کردند که بسیار به ایده فوکویاما نزدیک و هم معنا بود.

۱. جهان پساتاریخ؛ کشورهای توسعه یافته؛ به این معنا که نفوذ صد درصدی ایده لیبرال دموکراسی در این کشورها قطعی است و شباهت کاملی با خود آمریکا دارند. در واقع این کشورها شعبه ای دیگر از آمریکا هستند که همان ایده را با شیب کمتری ادامه می دهند و نقش بازوهای اصلی آمریکا را بازی می کنند، مثل انگلیس و آلمان در اروپا و برزیل و هند و ژاپن در سایر قاره ها. در واقع این کشورها پایگاه تکمیل شده ایده پایان تاریخ بودند.

۲. جهان در حال گذار به پایان تاریخ؛ این کشورها هرچند ایده صد درصدی را اجرا نکرده اند، اما به لحاظ فکری به شدت به دنبال رسیدن به دوره پساتاریخ هستند. هرچند آمریکا این کشورها را از جنبه اقتصادی و سیاسی دارای نمایندگی نمی داند، اما با فشار به آن ها سعی می کند سریع تر به تحقق ایده اصلی هدایت شوند؛ مثل ترکیه، عربستان، یونان و ...

۳. کشورهای ماقبل تاریخ؛ هر کشوری که ایده پایان تاریخ آمریکایی را اجرا نمی کند، به هر دلیلی «کشور ماقبل تاریخ» معرفی می شود که از عراق تا افغانستان و ... را شامل می شود. این کشورها معمولاً یا با قدرت نظامی تسخیر می شدند یا نقش یک بازیگر کوچک در منطقه را برای آمریکایی ها بازی می کردند.

در واقع فهم آمریکایی ها از مناسبات قدرت و ژئوپولیتیک و ژئوکالچر این گونه صورت بندی شده بود که کشورها را به این سه دسته تقسیم بندی کنند تا حوزه نفوذ خودشان را گسترش دهند. در واقع به دنبال نوعی سطح بندی بر اساس ایده پایان تاریخ بودند.

اما دو خطای راهبردی از سمت آمریکایی ها باعث شد این صورت بندی ها و ایده پایان تاریخ در سه دهه اخیر کاملاً نقض شود و حالا ما در دروازه ورودی یک جهان چندقطبی هستیم و دقیقاً به همین جهت است که باید وزارت دفاع به وزارت جنگ تبدیل شود. خطای اول؛ لیبرال دموکراسی آن بهشت واقعی نبود و در طول سه دهه به پوپولیسم و الگارشلی لیبرال بدل شده است. در واقع چون آمریکایی ها رقیب نداشتند و از این جهت نگران نبودند که افقی تازه ایجاد شود، تن به هر نوع تفکری می دادند و آن را آزادی معرفی می کردند. این منطق در کنار منطق بازار آزاد به ایدئولوژی سختی تبدیل شده بود، بی آنکه متوجه باشند هر دو منطق دارای تناقض است. آزادی افراطی باعث شد فردگرایی شکل بگیرد و این فردگرایی رادیکال مانع از همبستگی ملی شد و سیاست در آمریکا به پوپولیسم روی آورد. در سایر کشورهای دنیا هم زمینه به قدرت رسیدن راست افراطی (پوپولیسم) فراهم شد. ادامه در صفحه ۱۴

چپ باشگاه های فوتبال پر می شود؟

حساب و کتاب حق پخش؛ چالش بعدی

۱۳

گروسی حتی ترور دانشمندان را هم محکوم نکرد

اعتراف به گماشتگی اسرائیل

۷

نگاهی به کارنامه معاون هنری سابق ارشاد!

ارشاد لغو کنسرت را گرفتن گرفت

۱۲

سه عملیات مقاومت ۱۱ کشته از صهیونیست ها گرفت

روز هت تریک

۱۴

